

جایگاه دین روستایی در جامعه‌شناسی روستا: علل بی‌توجهی و پیامدهای آن

جبار رحمانی^۱

تاریخ دریافت: ۹۱/۷/۲۸ تاریخ پذیرش: ۹۱/۹/۳۰

چکیده

جامعه‌شناسی روستایی در ایران سابقه‌ای نزدیک به نیم قرن دارد. مطالعات روستایی در ایران و بالاخص جامعه‌شناسی روستایی بعد از اصلاحات ارضی به طور خاصی بر موضوع روستا به مثابه پدیده اقتصادی - سیاسی و در راستای اهداف اقتصادی ملی و بین‌المللی متمرکز شد. در نتیجه این روند، بیشترین موضوعاتی که در این مطالعات مورد توجه قرار گرفتند سیستم تولید و نظام قدرت سنتی در روستا بود. از جمله موضوعاتی که در این گفت‌وگو علمی توجهی به آن نشد مقوله مذهب و امر دینی در روستا است. مذهب به مثابه هسته نظام فرهنگی و زمینه بازتولید انسجام اجتماعی نقشی کلیدی در جامعه روستایی ایران دارد، که از یک سو حافظ سنت است و از سوی دیگر می‌تواند عامل تغییر و عنصر مشروعیت بخش تغییرات باشد. در این مقاله از طریق فراتحلیل مطالعات روستایی در علوم اجتماعی، به بررسی علل درونی و بیرونی بی‌توجهی به مقوله مذهب در گفت‌وگو جامعه‌شناسی روستایی ایران از دهه ۴۰ تا ۸۰ شمسی (علی‌رغم رخداد انقلاب اسلامی در این دوران) پرداخته شده است. علل بیرونی از جمله اقتصاد سرمایه‌داری و مسائل شهری سبب شد روستا به مثابه عنصری اقتصادی و جمعیت شناختی شده اهمیت یابد و علل درونی مانند تأثیر سنت مارکسیستی و پوزیتیویستی بر گفت‌وگو جامعه‌شناسی روستایی و فقدان مفهوم‌بندی دقیق در باب دین و دین‌داری روستایی و در نهایت مقتضیات گفت‌وگو روشنفکری دانشگاهی سبب شد به دین روستایی بی‌توجهی شود. در نتیجه، جامعه‌شناسی روستایی نتوانسته جریان اصلی فرهنگ و جامعه روستایی را، با توجه به هسته این نظام فرهنگی یعنی دین، به درستی تبیین کند، لذا مسائل فرهنگی و اجتماعی روستا، از دهه ۴۰ تا آغاز دهه ۹۰، همچنان تداوم داشته و دارد. در نهایت باید گفت که جامعه‌شناسی روستایی برای فهم زندگی فرهنگی و اجتماعی روستا و برای برنامه‌ریزی دقیق‌تر و کارآمدتر در حیطه توسعه روستایی، نیازمند تمرکز هرچه بیشتر بر مقوله دین و فرهنگ روستایی ایرانی است.

کلمات کلیدی: دین، جامعه‌شناسی روستایی، دین روستایی، فراتحلیل مطالعات روستایی، فرهنگ روستایی، روستای ایرانی

^۱. دکتری جامعه‌شناسی، استادیار انسان‌شناسی پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی j_rahmani59@yahoo.com
j_rahmani59@yahoo.com

مقدمه

مطالعات روستایی ایران از سابقه‌ای نزدیک به نیم قرن دارد. این مطالعات، که عموماً ذیل دو حوزه اصلی جامعه‌شناسی روستایی و توسعه و همچنین جغرافیای انسانی انجام شده است، از دهه ۱۳۴۰ به این سو در راستای مسائل مهم سیاست‌گذاری‌های توسعه‌ای به کار گرفته شده است. می‌توان مطالعات انجام‌گرفته را در طبقه‌بندی‌های گوناگونی قرار داد. ازکیا و غفاری این مطالعات را در سه دسته کلی تقسیم‌بندی کرده‌اند: ۱- آثار کلی و تک‌نگاری‌ها در مطالعات روستایی؛ ۲- مطالعات انجام‌شده با جهت‌گیری تاریخی و نظری؛ ۳- آثار و مطالعات انجام‌شده با جهت‌گیری آموزشی (۱۱: ۱۳۸۸). نقطه عطف این مطالعات در دهه ۱۳۴۰ بود که با شکل‌گیری گروهی با عنوان «گروه تحقیق در مسائل اقتصاد کشاورزی» در مؤسسه تحقیقات اقتصادی وابسته به دانشکده حقوق دانشگاه تهران، تحقیقات میدانی در نقاط روستایی کشور شروع شد، که عمدتاً به اصلاحات ارضی معطوف بود. در سال ۱۳۴۳ نیز مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران بخش ویژه‌ای را برای این کار تأسیس کرد. عمده این پژوهش‌ها، همگام روند پژوهش‌های روستایی در جهان در دهه‌های ۱۹۶۰ - ۱۹۵۰، در قالب پژوهش‌های کاربردی مورد نظر دولت انجام می‌گرفت. (قبلی، ۱۳) لهسایی‌زاده نیز این مطالعات را در دسته‌بندی دیگری مطرح می‌کند که عبارت‌اند از ۱- تک‌نگاری‌ها، که معمولاً یک روستا را به طور خاص بررسی کرده‌اند، اگر چه جایگاه واقعی یک روستا را در کل ساخت اقتصادی اجتماعی ایران نشان نمی‌دهند؛ ۲- تحقیقات مقطعی، که عموماً با اصلاحات ارضی مرتبط بود و بر وضعیت روستاها در همان زمان تأکید داشتند؛ ۳- مطالعات تخصصی پیرامون یک موضوع خاص در روستا؛ ۴- مطالعات روستایی که بیشتر جنبه آماری داشتند و دولت و سازمان‌های ذینفع آنها را انجام می‌دادند (لهسایی‌زاده، ۱۳۸۲: ۷).

مطالعات روستایی در ایران نوعی تقسیم کار میان‌رشته‌ای ضمنی را نیز در خود دارد. این حوزه مطالعاتی در رشته‌های مختلف مورد بحث بود، اما مهم‌ترین عرصه بازنمایی این مطالعات در حوزه علوم اجتماعی و بالاخص جامعه‌شناسی توسعه و جامعه‌شناسی روستایی بوده است. می‌توان گفت در کل پروبلماتیک اصلی این مطالعات توسعه روستایی بود، که در همه کتاب‌های این حوزه دیده می‌شود. (طالب: ۱۳۸۴؛ نیک‌خلق، ۱۳۸۲؛ ودیعی، ۱۳۴۸؛ ازکیا و ایمانی، ۱۳۸۷؛ وثوقی، ۱۳۵۸). همه این مطالعات به دنبال فهم جامعه روستایی ایران، در راستای مسائل جاری

جامعه و حکومت ایران، بوده‌اند. با وجود سنت طولانی مطالعات روستایی در ایران، مطالعات انتقادی محدودی در این زمینه انجام گرفته است.

هرچند مطالعات روستایی در زمینه حل مسائل روستا تا حدی کامیاب بوده‌اند، اما تداوم برخی بحران‌های ناشی از روستا، هم در جامعه روستایی و هم در جامعه شهری، بیانگر آن است که بازنگری انتقادی به این سنت مطالعاتی می‌تواند در راستای بهبود و تکمیل آن باشد. می‌توان نقد مطالعات روستایی را هم در سطح کلان و هم در سطح خرد و حول موضوعات خاص انجام داد. در این مقاله با تأکید بر موضوعی خاص به نقد این مطالعات خواهیم پرداخت.

مذهب از موضوعات بسیار مهم در جامعه ایرانی و بالاخص جامعه سنتی و روستایی است. مذهب به دلیل اهمیت خاصی که در سامان‌دهی زندگی روستایی و سنتی دارد، باید یکی از کانونهای مطالعات روستایی باشد. در این مقاله به بررسی انتقادی جایگاه مذهب در مطالعات روستایی خواهیم پرداخت. برای این کار ابتدا به دلایل اهمیت مذهب در مطالعات اجتماعی و توسعه و سپس به دلایل زمینه‌ای گفتمان مطالعات روستایی ایران، که سبب غفلت از عنصر مذهب در حیات روستایی و بی‌توجهی به آن شده، و در نهایت به پیامدهای این غفلت و بی‌توجهی خواهیم پرداخت.

الف: دلایل اهمیت دین

از محوری‌ترین موضوعات علوم اجتماعی، مقوله دین و نقش آن در حیات اجتماعی و فرهنگی انسان بوده است. بنیان‌گذاران علوم اجتماعی، از جمله اسپنسر، دورکیم و وبر، از جمله کسانی‌اند که به چشم‌اندازی تاریخی - جهانی راجع به دین باور داشتند. دورکیم، در کتاب **صور ابتدایی حیات دینی** (۱۳۸۳) و وبر در کتاب **دین، قدرت و جامعه** (۱۳۸۲) هر کدام به نحوی به اهمیت حیاتی دین در جامعه انسانی پرداخته‌اند، از سطوح خرد قبایل استرالیایی تا ادیان جهانی. سنت مطالعات جامعه‌شناختی دین (ر.ک: همیلتون، ۱۳۷۷) و مطالعات مردم‌شناختی دین (موریس، ۱۳۸۳) بیانگر نقش کلیدی دین در تاریخ فرهنگ و اجتماع انسانی بوده‌اند. نقش دین در جامعه را می‌توان در دو سطح مدنظر قرار داد: ۱- دین به مثابه هسته فرهنگ. در این دیدگاه دین به عنوان نظام نمادهای مقدس در یک جامعه به مثابه یک نظام فرهنگی کارکرد اصلی‌اش آمیختن شیوه زندگی مردم با جهان‌بینی آنهاست. دین از این طریق است که کارکرد معنابخشی و

معقول‌سازی زندگی را برای مردم انجام می‌دهد (ر.ک: گیرتز، ۱۹۷۳ (۱۹۷۳)، ۲- دین به مثابه عامل تغییر و مشروعیت‌بخشی بدان. این رویکرد را در امتداد رویکرد قبلی می‌توان بررسی کرد. دین باید تأمین‌کننده تعادل جامعه، بالاخص بعد از رخداد تغییرات باشد. در سنت دورکیمی، دین همان نیروی جمعی جامعه بر افراد است. دین نظامی از اعمال و ایده‌هاست که افراد، از طریق آن جامعه را برای خودشان بازنمایی می‌کنند و روابط مبهم و در ضمن صمیمانه‌شان را با جامعه از این طریق بیان و بازسازی می‌کنند (ر.ک: دورکیم، ۱۳۸۳). در این رویکرد دوم، دین بالاخص در عرصه مناسک، زمینه‌ای برای ساختن، بازتولید و مشروعیت‌بخشی به تغییرات است. در تعاریف علوم اجتماعی از جوامع سنتی چنان که در مفهوم‌بندی‌های ردفیلد از جامعه فولک یا مفاهیم گماین‌شناخت و گزل‌شناخت در نزد تونیس دیده می‌شود (ر.ک: واترز، ۱۳۸۱) دین یا نظام مذهبی، هسته این نوع جوامع را تشکیل می‌دهد. بر این اساس شناخت هر جامعه و فرهنگی نمی‌تواند بدون شناخت مذهب و نظام آئین و اعتقادی آن مردم ممکن باشد. چنان که گفته شد، وجه دوگانه دین که از یک‌سو حافظ سنت‌ها و تداوم‌بخش داشته‌های یک جامعه است و از سوی دیگر محرک تغییر یا مشروعیت‌بخشنده تغییر است. این وجه دوگانه دین، هم در راستای شناخت وضع موجود این جوامع و هم در راستای سیاست‌گذاری توسعه‌ای، سبب می‌شود دین در جامعه سنتی و بالاخص روستایی شناخته شود.

ب: جایگاه دین در مطالعات روستایی ایران با تأکید بر جامعه‌شناسی روستایی

چنان که گفته شد، مطالعات روستایی را می‌توان به چند دسته اصلی تقسیم کرد. به‌طور کلی در بیشتر این مطالعات هنوز دین به مثابه جوهره فرهنگ و جامعه جایگاهی ندارد. در میان آثار موجود فقط در تک‌نگاری‌ها است که می‌توان دین را به مثابه یک موضوع دید. در سایر آثار، دین حضور معناداری ندارد.

در تک‌نگاری‌ها، آنگونه که در کار صفی‌نژاد (۱۳۵۴) و اونو (۱۳۷۶) دیده می‌شود، می‌توان اهمیت و نقش دین را در زندگی مردم روستایی دید. این نوع تحقیقات به دلیل آن که به دنبال فهم همه جوانب زندگی روستا هستند و همچنین به دلیل ارتباط عمیق و طولانی محقق با بدنه جامعه روستایی، توانسته‌اند جایگاه دین را در جامعه روستایی نشان دهند.

با توجه به آن که دین و مذهب در مطالعات روستایی، عموماً در تک‌نگاری‌ها مورد توجه بوده، لازم است که ویژگی‌های کلی این بازنمایی دین مدنظر قرار گیرند. نکته مهمی که در

کلیت گفتمان مطالعات روستایی و بالاخص تک‌نگاری‌ها وجود دارد، این است که اگر در روستایی نقش ملا و آخوند دیده می‌شود و نظام اعتقادی آنگونه که در سنت مذهبی شهری و نهاد دین در شهر وجود دارد، در روستا هم رایج باشد، عموماً در فصل اعتقادات دینی از آن موضوع یاد می‌شود. به عنوان مثال نقش آخوند، که یک نقش متعلق به نظام نهاد دین شهری است، اگر در روستاها هم دیده شده، توضیح داده می‌شود. صفی‌نژاد در بحث از خوش‌نشین‌های طالب‌آباد (۱۳۵۴: ۱۴۳) آخوند روستا را توصیف می‌کند که «در بهار ۱۳۴۰ شمسی به دعوت ارباب طالب‌آباد، آخوندی از خراسان به ده آمد و در مسجد ده ساکن گردیده... که وضع مسکونی‌اش پس از ارباب ده از دیگران به مراتب بهتر و اصولاً قابل مقایسه نیست. نامبرده راهنمای مسائل مذهبی اهالی است و نماز پنج‌گانه را در مسجد می‌گذارد. عده‌ای از اهالی به او اقتدا می‌کنند و پس از آن به مختصر موعظه‌ای در مسجد برای مراجعه‌کنندگان می‌پردازد. روزها بیشتر به تعلیم مسائل مذهبی علاقمندان همت می‌گمارد. در قبال زهد و تقوی و موعظه و تعلیم... ماهانه حقوقی به مبلغ ۱۵۰ تومان و ۲۵ من گندم از ارباب ده دریافت می‌دارد و گاهگاهی هم دهقانان و خود ارباب به او هدایایی می‌دهند» (۱۳۵۴: ۱۴۳). علاوه بر این از برخی از آداب و رسوم نیز تحت عنوان «اعتقادات مذهبی، مثلاً در مورد حضرت خضر، ملائکه، خیرات، نذرها، سفرهای نذری روزه، عیده فطر، زیارت‌رفتن (همان، ۳۹۸-۴۱۰) بحث شده است. اما سایر باورهای محلی ذیل عنوان خرافه یا «اعتقادات خرافی» (همان، ۸-۳۹۲) توصیف شده‌اند.

اونو در توصیفاتش از خیرآباد، هرچند مذهب را به مثابه یک بخش مستقل در کارش توصیف نکرده است، اما در بخش دوران انقلاب ۱۳۵۷ و آثار آن در زندگی روستایی، عامل مذهب انقلابی به مثابه نهادی ایدئولوژیک در شهر و نقش آن در تحولات زندگی روستایی را شرح داده است (ر.ک: اونو، ۱۳۷۶: ۲-۱۲۱ و ۷-۱۴۴). نکته مهم درباره جایگاه مذهب در تک‌نگاری‌های روستایی آن است آنچه که ذیل اعتقادات مذهبی در روستاها توصیف شده، بخشی از باورهای مردم روستایی است که شباهت بسیاری به باورهای مذهبی شهرنشینان دارد. در غیر این صورت، باورهای روستائیان ذیل عنوان خرافات توصیف شده است. از سوی دیگر در تک‌نگاری‌ها (به جز کار اونو که نقش مذهب ایدئولوژیک انقلابی را در تحولات روستایی نشان داده) عموماً توجهی به نقش مذهب در ساختارها جامعه و تداوم‌ها و تغییرات آن نشده

است. به همین سبب عموماً مذهب امری حاشیه‌ای در مطالعات روستایی بوده و تنها زمانی که قرار است همه چیز روستائیان توصیف شود (مثلاً در تکنگاری‌ها)، مذهب نیز به عنوان بخشی از فولکلور روستا توصیف می‌شود.

در سایر دسته‌بندی‌های مطالعات روستایی یعنی در مطالعات تاریخی و نظری، مطالعات آموزشی و یا مطالعات نهادهای دولتی، مذهب جایگاهی ندارد. مثلاً در کتاب لهسائی‌زاده (۱۳۸۲)، **تحولات اجتماعی در روستاهای ایران**، هیچ اشاره‌ای به نقش مذهب (مذهب روستایی، یا مذهب انقلابی) در تحولات روستایی نشده است. زمانی که از تأثیر انقلاب بر جامعه روستایی ایران سخنی می‌گوید، صرفاً به اصلاحات ارضی در ایران بعد از انقلاب می‌پردازد و اشاره‌ای به تأثیر ایدئولوژی مذهبی انقلاب در تحولات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی روستاها نمی‌کند (۱۳۸۲: ۳۶۱-۲۷۷).

در منابع مطالعات نظری و آموزشی جامعه‌شناسی روستایی نیز به مذهب توجهی نشده است. این بی‌توجهی به مذهب را در طی چهار دهه پژوهش‌های روستایی می‌توان ویژگی ثابت مطالعات نظری و آموزشی دانست. مثلاً در کتاب ودیعی در سال ۱۳۴۸، زمانی که روستاهای ایران هنوز در فرهنگ سنتی زندگی می‌کردند (و طبق تمام نظریات جامعه سنتی، مذهب نقش محوری این فرهنگ‌ها را دارد)، از مذهب به عنوان متغیری مهم در برنامه‌ریزی‌ها و تحلیل‌های روستاشناسی اثری دیده نمی‌شود. و در کتاب ازکیا و ایمانی، در حدود چهار دهه بعد، که انقلاب اسلامی هم رخ داده و تحولات بنیادین در جامعه روستایی ایران بواسطه حضور مذهب انقلابی به وقوع پیوسته است، هنوز به عنصر مذهب بجدّ توجهی نشده است و در طرح بحث توسعه پایدار در بعد اجتماعی، تقریباً همان مؤلفه‌های حیات اجتماعی روستایی را مدنظر قرار داده است که ودیعی در ۱۳۴۸ مطرح کرده و صرفاً تفسیری و تعبیری امروزی را از آنها مفروض گرفته است. حتی در برنامه‌ریزی برای توسعه پایدار، به مؤلفه مذهب یا امر مذهبی هیچ اشاره‌ای نمی‌کند (ر.ک: ازکیا و ایمانی، ۱۳۸۷: ۲-۷۳).

از مهم‌ترین نمونه‌های مهم بی‌توجهی مضمّر در پارادایم جامعه‌شناسی روستایی نسبت به عنصر مذهب در فضای روستایی (در شکل سنتی یا در شکل انقلابی و شهری آن)، کتاب وثوقی (۱۳۸۴) است که به سرپرستی نهادی دولتی و با عنوان **جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی و فرهنگی روستا** (کتاب سبز راهنمای عمل دهیاری‌ها) تألیف شده است و هدف آن به دست

آوردن الگویی در راستای فهم جامعه و فرهنگ روستایی ایران بوده است. این کتاب که به طور خاص بر ابعاد اجتماعی و فرهنگی تأکید دارد، در هیچ‌یک از عناوین اصلی و فرعی‌اش به نقش مذهب نپرداخته است. وثوقی در این کتاب به قوانین و نهادهای اجتماعی و فرهنگی‌ای می‌پردازد که با مسئله تولید و رشد اقتصادی و نوسازی مادی روستا مرتبط‌اند. او بیشتر بر خدمات کشاورزی و اقتصاد روستا، تأکید کرده است و همچنین هیچ اشاره‌ای به برنامه‌های دولت برای گسترش ایدئولوژی انقلابی و نهادهای فرهنگی و مذهبی آن در روستاها نمی‌کند.

برای فهم بهتر غفلت جامعه‌شناسی روستایی ایران نسبت به دین می‌توان دو اثر از وثوقی را، که یکی در سال ۱۳۵۸ و دیگری در سال ۱۳۸۴ تألیف شده‌اند، با هم مقایسه کرد. در باب موضوع دین در این دو اثر که با فاصله ۲۶ سال نوشته شده‌اند. در حالی که در طی این زمان حکومت اسلامی ایران تحولات بنیادینی را در فضای روستایی ایران ایجاد کرده و قشربندی و نظام ارزشی جدیدی را در آن مستقر ساخته است و همچنین نهادهای فرهنگی و سیاسی و اقتصادی مانند پایگاه بسیج، مسجد، شورای اسلامی، انجمن اسلامی و مانند را در روستاها به وجود آورده است. وجه مشترک هر دوی این کتابها بی‌توجهی به جایگاه دین در جامعه روستایی (به عنوان عامل تداوم سنت روستایی و یا به عنوان عنصر تغییردهنده زندگی روستایی) بوده است. ۲۶ سال حکومت انقلابی و اسلامی هیچ بازنمود جدی‌ای در روستاهایی که این دو کتاب معرفی می‌کنند، نداشته است ر.ک. وثوقی ۱۳۵۸ و ۱۳۸۴).

در سایر کتاب‌های جامعه‌شناسی روستایی از جمله نیک‌خلق (۱۳۸۲) و طالب و عنبری (۱۳۸۴) نیز می‌توان این ویژگی‌ها را دید. وجه مشترک این آثار آن است که همه آنها به نسل اول محققان روستایی در دهه ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ متعلق‌اند. نسلی که پروبلماتیک اصلی آنها برای مطالعه روستا، اصلاحات ارضی بوده است؛ در نتیجه، بیش از همه به عنصر تولید و نهادهای قدرت (اقتصاد و سیاست) در روستاها توجه کرده‌اند. به بحث پیرامون تمام امور اجتماعی، از جمله خانواده و خویشاوندی، پرداخته‌اند، زمانی که پیامدی مستقیم و مشهود در عرصه اقتصاد و سیاست روستایی داشته‌اند. این ویژگی را می‌توان بنیان‌های مفروض گفتمان مطالعات روستایی متأثر از اصلاحات ارضی دانست، که تقریباً در همه آنها مشترک است. شاید اگر اصلاحات ارضی از تاریخ مطالعات روستایی ایران برداشته شود، حرف خاصی باقی نماند.

در دهه‌های اخیر نیز پروبلماتیک توسعه پایدار که عمدتاً رویکردی زیست‌محیطی دارد، محور بسیاری از مطالعات روستایی است. بحث‌های جدید توسعه در غرب، با ترجمه به ایران وارد شده است. در حالی که هنوز سنت پیشینی مطالعات توسعه نقد و بازبینی جدی نشده است، سنت جدیدی متأثر از فضای فکری جدید جهانی شکل گرفته است. این موضوع از موارد آسیب‌زای مطالعات روستایی ایران است.

جامعه‌شناسی روستایی به‌ندرت به سمت ارزیابی انتقادی از روستا و برنامه‌های توسعه‌ای روستا پیش رفته است. عناوین تحقیقات اخیر نیز بیانگر بی‌توجهی به تحولات فرهنگی - مذهبی روستاها و نقش و جایگاه مذهب در روستا است. موضوعات محوری برخی از این پژوهش‌ها عبارت‌اند از: مسئله مشارکت در جامعه روستا (دانش مهر و احمددرش ۱۳۸۸ و کوهی و تقوی ۱۳۸۲)، بررسی کمی تأثیر رسانه‌ها بر زندگی روستایی (رضوی‌زاده ۱۳۸۵)، فهم آماری و پرسش‌نامه‌ای فقر در روستا (غفاری و حق‌پرست ۱۳۸۳ و شادی‌طلب و حجتی کرمانی ۱۳۸۷)، فهم آماری و پیمایشی از مسئله جنسیت و نقش زن در روستا (معیدفر ۱۳۸۳، منصورآبادی و کرمی ۱۳۸۵ جهانگیری و لهسایی‌زاده ۱۳۸۷)، بررسی‌های پیمایشی در برنامه‌ریزی‌های روستایی (زمانی و لاری ۱۳۸۵، افروخته ۱۳۸۰). علاوه بر این موارد نیز تحقیقات بسیاری در این راستا وجود دارند که در دو دهه اخیر در فضاهای دانشگاهی ایران پیرامون روستا انجام شده‌اند که در آنها هم اشاره‌ای به موضوع دین و مؤلفه‌های دینی روستایی نشده است (برای این موضوع ر.ک. عناوین تحقیقات و مقالات در بخش منابع مقاله حاضر).

با توجه به رابطه میان مذهب و جامعه و فرهنگ، می‌توان گفت فهم فرهنگ سنتی و فرهنگ اجتماعات ایرانی در جامعه پس از انقلاب ۱۳۵۷، منوط به فهم مذهب در اشکال مختلف آن است. لذا عدم توجه و فهم نادرست مذهب، به معنای فهم ناقص و ناکافی فرهنگ است. این بی‌توجهی به مذهب (به مثابه هسته اصلی فرهنگ) از علل متعددی ناشی می‌شود که در بخش بعدی مقاله بدان خواهیم پرداخت.

پ: دلایل بی‌توجهی به مذهب در مطالعات روستایی ایران

درباره این که چرا به موضوع مذهب در مطالعات روستایی (و به‌ویژه جامعه‌شناسی روستایی) توجه نشده است، دلایل متعددی وجود دارد. این دلایل، برخی ناشی از عوامل بیرون از علم

است، برخی عوامل ناشی از اجتماع علمی است، و برخی نیز ناشی از مفروضات و ایده‌ها و مفاهیم علمی است. در ادامه به بررسی این دلایل خواهیم پرداخت.

۱) دلایل بیرون از نهاد علم یا دلایل سیاسی و اقتصادی ملی و بین‌المللی

لهسایی‌زاده از «تأثیر عوامل خارجی در ساخت و تحولات روستا» بحث کرده است. اقتصاد سرمایه‌داری جهانی نظام تولید مستقل در کشورهای پیرامون را برای خودش مضر می‌داند؛ در نتیجه هدف نهایی سرمایه‌داری تخریب کلیه نظام‌های ماقبل خود است. پس نظام‌های سنتی تولید باید در این نظام جهانی اقتصادی ادغام می‌شدند (۱۳۸۲: ۱۰-۱۳). اصلاحات ارضی، که سلسله‌جبران تحولات روستایی ایران بود، در راستای اهداف نظام سرمایه‌داری جهانی تنظیم شده بود و به همین سبب هم اولویت‌های اصلی تمام مطالعات اولیه، فهم نظام تولیدی و ساخت قدرت در روستاها، برای برنامه‌ریزی برای تغییر آن در راستای اهداف نظام سرمایه‌داری جهانی بود. نگاه انتقادی به این منطق سرمایه‌داری و تحولات روستایی سبب شده است که لهسایی‌زاده اصلاحات ارضی را چنین ارزیابی کند که «این روند انتقالی تخریبی، اثرات سنگینی بر روی روستاها داشت» (همان، ۳۶۶). رویکرد اقتصادی - سیاسی سرمایه‌داری جهانی برای تحول نظام‌های تولید سنتی، در تأکید سنت‌های مطالعاتی بر موضوعات اقتصادی و سیاسی نمود یافته است. این دلیل خارجی هم در سطح بین‌المللی و هم در سطح ملی در یک راستا عمل کرده است.

بخشی دیگر از دلایل بیرونی در مطالعات روستایی، مسائلی است که در سطح ملی و در حیطه مسائل شهری به وجود آمده‌اند. در بسیاری مباحث مربوط به پیشینه مطالعات روستایی به اهمیت بحران‌های شهر و رابطه آن با روستا اشاره شده است. با شدت گرفتن شهرنشینی و ظهور بحران‌های آن «بسیاری از دولت‌ها به این حقیقت رسیده‌اند که بحران شهری نخست بحران تولیدکنندگان روستایی است» (جمعه‌پور ۱۳۸۴: ۲۷) در این پروبلماتیک شهری، روستا به مثابه یک واحد جمعیت‌شناختی (منشا مهاجرت و حاشیه‌نشینی شهری) و یک واحد اقتصادی (تولیدکننده محلی) مورد نظر بوده است. به همین سبب، روستا، به مثابه یک سوژه اقتصادی - جمعیت‌شناختی، هم برای جلوگیری از مهاجرت به شهر و هم برای تداوم تولیدکنندگان محلی مواد غذایی مورد نیاز شهرها بررسی شدند.

۲) دلایل ناشی از برنامه‌های توسعه‌ای

برنامه‌های توسعه‌ای در روستاهای ایرانی، از دوران اصلاحات ارضی تا سال‌های اخیر، همیشه و بیش از همه برنامه‌های اقتصادی - سیاسی بوده‌اند. گسترش تکنولوژی جدید کشاورزی و توسعه نهادهای مدرن در روستاها اهداف اصلی تمام برنامه‌ریزی‌های توسعه‌ای در روستاها محسوب می‌شوند. در دلیل‌های بخش الف، زمینه‌های اهمیت مطالعات روستایی را مطرح کردیم، اما در این قسمت دلایل کاربردی و خاص معطوف به روستا و توسعه آن مدنظر است. اگر به پیامدهای اصلاحات ارضی نگاه کنیم، این مؤلفه‌ها در آن اهمیت کلیدی دارند: الف) اجرای قانون اصلاحات ارضی؛ ب) ترویج اصول جدید کشاورزی؛ ج) توسعه آموزش و پرورش جدید؛ د) بهسازی محیط روستایی و عمرانی؛ ه) شرکت دادن هرچه بیشتر روستائیان در امور مربوط به روستا. در راستای این اهداف تشکیلات اجتماعی تازه‌تأسیس در روستاها پس از اصلاحات ارضی عبارت بودند از انجمن ده، سپاهیان انقلاب، میسران عمران، خانه انصاف، و خانه فرهنگ (ر.ک: ودیعی ۱۳۴۸: ۷-۱۹۵). همه این موارد در راستاهای معیارها، ارزش‌ها و هنجارهای شهری مدرن برنامه‌ریزی شده بودند. این انگیزه‌ها و ارزش‌ها، انگیزه اصلی اصلاحات ارضی بودند. به همین سبب، همه نهادهای اجتماعی نیز در راستای تسهیل انجام اصلاحات ارضی تعریف شده بودند. اگر به تاریخچه‌اجمالی توسعه روستایی در ایران نیز نگاه کنیم، تأکید بر عامل اقتصادی و نهادهای رسمی و غیررسمی مربوط به اقتصاد را می‌توان به خوبی دید. به همین سبب، حتی شاخص‌های فرهنگی، که عموماً ذیل سواد مدرن تعریف می‌شوند، به عنوان علل زمینه‌ای برای موفقیت اهداف اقتصادی برنامه‌های توسعه تعریف شده‌اند. (ر.ک: طالب و عنبری ۱۳۸۴: ۳۰۹-۲۷۵). پیامدهای این علت دوم نیز عامل تأکید بر وجوه اقتصادی - سیاسی (هرم قدرت روستایی و نقش آن در تحول اقتصادی روستا) در مطالعات روستایی بودند.

۳) دلایل ناشی از گفتمان مسلط بر مطالعات روستایی و جامعه‌شناسی روستایی

با مروری بر نظریات توسعه، بالاخص در دهه ۱۹۶۰، (نظریات کسانی مانند روستو ر.ک: از کیا، ۱۳۷۷: ۹۰ و نظریه وابستگی ر.ک: سو، ۱۳۷۸: ۱۱۷) می‌توان به اهمیت رویکردهای اقتصادی و بالاخص تأثیرات مکتب مارکسیسم در الگوهای توسعه‌ای اولیه پی برد. رویکرد مارکسیستی، در شکل اولیه و عمومی‌اش، اهمیت خاصی به زیربنا (عامل اقتصادی و روابط تولید و نیروهای تولید) می‌دهد و فرهنگ و مذهب، متعلق به حوزه‌های روبنایی بوده‌اند و لذا

امور فرعی و حاشیه‌ای محسوب می‌شوند، و اموری‌اند که با اصلاح زیربنا، آنها نیز اصلاح خواهند شد.

از سوی دیگر، ریشه دوم گفتمان جامعه‌شناسی روستایی، رویکردهای پوزیتیویستی آن است. رویکرد پوزیتیویستی در نیمه اول قرن بیستم در مطالعات توسعه مؤید بی‌توجهی به عنصر مذهب و فرهنگ بود. این رویکرد در علوم اجتماعی ایران، به دلیل آن که بیش از همه به پژوهش‌های آماری و پیمایشی - پرسش‌نامه‌ای تقلیل یافته، به سمت امور قابل تبدیل به آمار و پرسش‌نامه حرکت کرده است. با مروری بر منابعی که در حیطه مطالعات مسائل روستا، اعم از جنسیت و فقر و همانندان آن در صفحات قبلی معرفی شدند، به خوبی می‌توان دید که همه این عوامل از پشت عینک پرسش‌نامه و اعداد برساخته ناشی از آن دیده شده‌اند. مشاهده‌ناپذیر بودن امر سیالی همچون مذهب روستایی عامل مهمی در بی‌میلی محققان برای بررسی آن بوده است. به عبارت دیگر هم‌الگوی نظری مضمّر در رویکردهای توسعه و جامعه‌شناسی روستایی و هم‌الگوی روشی آن، زمینه‌ای را ایجاد کرده‌اند که محققین در این گفتمان علمی به عنصر مذهب چندان توجه نکنند. شاهد مدعای این فرضیه ادبیات جامعه‌شناسی روستایی در ایران، هم از جانب صاحب‌نظران آن طی چهار دهه مطالعات این رشته و هم از جانب نسل جدید محققان پرورش یافته در فضاهای مطالعات روستایی است. شاید یگانه جایی که خلاف این فرضیه را می‌توان یافت در تک‌نگاری‌هایی است که در مطالعه‌ای عمیق به دنبال درک همه وجوه زندگی در یک روستای خاص است. اولویت فهم همه جوانب زندگی و روش عمیق هم‌دلانه و مبتنی بر مشارکت سبب فرارفتن محققان از محدوده‌های رویکرد نظری مارکسیستی و رویکرد روشی پوزیتیویستی شده است (نمونه این کارها در صفحات قبل مقاله حاضر در آثار صفی‌نژاد و اونو معرفی شد).

۴) نوع تعریف از مفهوم مذهب در جامعه‌شناسی روستایی

یکی از مهم‌ترین دلایل بی‌توجهی به مذهب در جامعه‌شناسی روستایی و مطالعات روستایی ایران، از نظام مفاهیم این سنت مطالعاتی ناشی می‌شود. جامعه‌شناسی، به مثابه یک علم غربی و شهری، در سنت‌های مطالعاتی خود عمدتاً به اشکال خاصی از حیات مذهبی معطوف بوده است. هرچند برخی بنیانگذاران جامعه‌شناسی، مانند دورکیم (۱۳۸۳)، به مذهب قبایل بومی

توجه کرده‌اند، اما سنت جامعه‌شناسی دین، که عمدتاً ذیل سنت‌های مارکسیستی و وبری توسعه یافته است، درک خاصی از مفهوم مذهب دارد. مفهوم مذهب در جامعه‌شناسی عموماً به صورت نهادی مشخص تعریف شده است که از تقسیم کار اجتماعی در اجتماعات پیچیده و بالاخص شهر ناشی می‌شود (ر.ک: تامسون ۱۳۸۱: ۱-۱۴۰ و ۱۴۸). به عبارت دیگر، جامعه‌شناسی عموماً به ادیان بزرگی پرداخته است که در مطالعات ادیان به عنوان سنت‌های بزرگ ادیان نهادینه شده شهری معرفی می‌شوند. این ادیان را در شکل اسلامی، می‌توان در نهاد دین شهری که هم تقسیم کار اجتماعی فضا (فضای مقدس مسجد، مدرسه و...) را دارد و هم تقسیم کار اجتماعی نقش‌ها (روحانی، ملا، روضه‌خوان، و دعانویس و...) و هم تقسیم کار اجتماعی مقدس (کتب قرآن، ادعیه، زیارت‌ها و...) دین به مثابه یک نهاد اجتماعی شهری در جامعه‌شناسی تعریف شده است. به همین سبب، جامعه‌شناسی دین به ندرت به ادیان در اشکال محلی و عامیانه آن پرداخته است (ر.ک: ویلم ۱۳۷۷ و همچنین ر.ک. نظریه‌های جامعه‌شناختی دین در همیلتون ۱۳۷۷).

این رویکرد نهادی در تعریف دین در بنیانگذاران جامعه‌شناسی دین دیده می‌شود. دورکیم، با این که به مطالعه ادیان بومیان پرداخته است، در نهایت بر شکل نهادی و مستقر تشکیلات دینی تأکید می‌کند و آن را چنین تعریف می‌کند: «دین عبارت است از دستگاهی هم‌بسته از باورها و اعمال مربوط به امور لاهوتی... این باورها و اعمال همه کسانی را که پیرامون آنها هستند، در یک اجتماع اخلاقی واحد به نام کلیسا متحد می‌کند» (دورکیم ۱۳۸۳: ۶۳). تأکید دورکیم بر «کلیسا» از تأثیر سنت نهاد دین شهری در جامعه‌شناسی دین ناشی می‌شود. جامعه‌شناسان اگر هم به سنت‌های محلی دینی پرداخته‌اند، عمدتاً بر ادیان قبیله‌ای بومی و نظام اعتقادی آنها تأکید داشته‌اند تا در نهایت دین نهادی را، چنان که در شهر دیده می‌شود، تحلیل کنند (ر.ک: همیلتون ۱۳۷۷: ۹-۲۳۴). در جامعه‌شناسی روستایی در کارهای کسانی مثل اونو، گاه از دین‌داری روستایی و رفتارهای دینی آنها صحبت می‌شود، اما جامعه‌شناسی دین و به تبع آن جامعه‌شناسی دین در روستا، هنوز مفهومی به نام «دین روستایی» و یا حتی صورت مدون و مشخص شده «دین‌داری روستایی» را مطرح نکرده است.

سنت تحلیلی تقلیل‌گرایانه جامعه‌شناسان ایرانی نیز سبب شده است که رفتارهای دینی در نهایت به رفتاری اجتماعی تقلیل پیدا کنند. به عنوان مثال وثوقی در کتابش در پژوهشی درباره انگیزه‌های مردم روستایی در قبل از انقلاب در باب این که در صورت داشتن پول کافی، اولین و

مهم‌ترین اقدامشان چه خواهد بود؟ در میان ۱۰۶ پاسخ، رفتن به زیارت، با ۲۷/۷، بزرگ‌ترین نسبت را تشکیل داده است. اما وثوقی در تبیین این مسئله می‌نویسد: «به نظر می‌رسد که اقدام به زیارت مبین ارزش‌های مذهبی عمیق و ریشه‌داری است که در جامعه روستایی وجود دارد...» «اعتقاد راسخ روستایی به مذهب برای آن است که آداب و تشریفات زیارت در جامعه روستا، مشهود است و انگیزاننده کسب شهرت و رفتن به زیارت برای او القاب مختلفی مانند حاجی، کربلایی، مشهدی، را همراه با احترام اجتماعی می‌آورد». لذا این انگیزه شهرت و منزلت اجتماعی است که زیارت را در صدر پاسخ‌ها قرار می‌دهد (۱۳۵۸: ۱-۱۷۰). جامعه‌شناسی روستایی از یکسو به دنبال نهادهای مذهبی (مسجد، مدرسه، خانقاه و...) است و از سوی دیگر رفتارهای مشترک مذهبی شهری و روستایی را در روستا به امر اجتماعی تقلیل می‌دهد. به همین سبب جامعه‌شناسان به امر مذهبی در روستا به مثابه امری مستقل و فارغ از تقلیل به امور اجتماعی و اقتصادی توجه نمی‌کنند، زیرا مفهوم دین روستایی برای آنها تعریف نشده است. همان طور که در مونوگرافی طالب‌آباد اشاره شد، در روستاهای بزرگی مانند طالب‌آباد که به شهر نزدیک‌اند، و برخی مؤلفه‌های دین شهری مثل مسجد و ملا در آنها وجود دارد، آنها را ذیل امر دینی آورده‌اند. اما باورهای عامیانه، که در جهان‌بینی روستایی به مثابه نظام معنایی مقدس عمل می‌کنند، ذیل خرافات آورده شده‌اند. حتی در جامعه امروز ایران، که بیش از سه دهه از انقلاب ۱۳۵۷ می‌گذرد و نهادهای دینی (مسجد، بسیج، سپاه و...) هرکدام به نحوی در روستاها حضور دارند، هنوز جامعه‌شناسی روستایی به دین در روستا توجهی ندارد. به عبارت دیگر دین چنان که در فرهنگ سنتی روستا وجود داشته است و دین‌آنگونه که از حوزه شهری و نهاد دین شهری به روستا سرایت کرده، در جامعه‌شناسی دین مورد بی‌توجهی قرار گرفته است.

۵) مقتضیات فضای روشنفکری دانشگاهی

سنت روشنفکری به مثابه یک سنت شهری و نخبه‌گرایانه و مدرن عموماً به دین بی‌توجه بوده است. البته در موارد محدودی از جمله در سنت برخی روشنفکران چپ‌گرای قبل از انقلاب، مانند آل احمد و شریعتی، به روستا و دین روستایی توجه می‌شده است. کارهای روشنفکرانی مانند آل احمد در مجموعه‌ای از مردم‌نگاری‌ها و پژوهش‌های روستایی (۱۳۷۶، ۱۳۷۸، ۱۳۷۹) و توجهی که به تداوم سنت در محیط روستایی در برخی آثار شریعتی (۱۳۹۰) یا تلاشی که برای

معرفی میراث سنت در روستاها توسط برخی محققان مانند افشار (۱۳۴۸) شده، جریانی کوتاه مدت در فضای روشنفکری دانشگاهی بوده‌اند. سنت عمومی روشنفکری بعد از انقلاب، با این که بسیاری از مدعیان آن ریشه روستایی داشته‌اند، به نوعی دچار واکنشی ناخودآگاه در سرکوب ریشه روستایی بوده است.

امر روستایی در فضای روشنفکری جایی نداشته است، ضمن این که دیگر مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی هم به شیوه دهه‌های ۴۰ و ۵۰ نبوده تا بخواهد مطالعات کیفی عمیقی را در باب روستا سازمان‌دهی کند، لذا روستا به روش پیمایش و از طریق واسطه‌های پرسشگر از دور مشاهده شده است. در نتیجه محققان شهرنشین از دور در باب روستا به نظریه پردازی پرداختند. در این میان برخی از بازماندگان نسل اول محققان روستایی، مانند صفی‌نژاد و طالب، شاید تنها کسانی باشند که هم تجربه‌ای عمیق از روستا داشته‌اند و هم این که همچنان مدافع امر روستایی، به مثابه امری فی‌نفسه ارزشمند، هستند. فارغ از این سنت محدود، بدنه اکثریت جامعه‌شناسی ایران، پدیده‌ای شهری و شهرزده است که به روستا توجهی ندارد، مگر از دور و با واسطه. دانشگاهیان امروز در فضای دانشگاهی به تحقیق و تأمل در باب فضای روستایی می‌پردازند و گاه بی آن که روستا را دیده باشند، در باب آن تأملات روشنفکرانه یا دانشگاهی دارند. از سوی دیگر در گفتمان روشنفکری دانشگاهی، تحقیق روستایی امر ارزشمندی نیست، که بتوان با آن شأن روشنفکرانه به دست آورد. به همین سبب است که می‌توان در گروه‌های جامعه‌شناسی توسعه و روستایی‌اساتیدی را دید که مشغول تدریس دروس روستایی هستند، بی آن که به روستا سفری کنند و همیشه در شهر در باب امر دور و بیگانه‌ای به نام روستا تأملات جامعه‌شناختی ذهنی دارند.

شاید بتوان به این مجموعه علل پنجگانه، علل دیگری را هم افزود، اما به نظر می‌رسد می‌توان آنها را علل اصلی برای بی‌توجهی به مقوله مذهب در روستاها دانست. این بی‌توجهی پیامدها و نتایجی در گفتمان روستاپژوهی ایرانی داشته است، که در بخش بعد بدان خواهیم پرداخت.

ت: پیامدهای بی‌توجهی به دین در جامعه‌شناسی روستایی

با توجه به توضیحاتی که در صفحات قبل آمد، تأکید بر روستا به مثابه واحد اقتصادی - سیاسی و امری وابسته و معطوف به مسائل شهری سبب شده است که همیشه بعد اقتصادی و ساختار

قدرت در روستا از اولویت‌های توجه محققان باشد. در نظر گرفتن فرهنگ و دین به مثابه اموری روبنائی و فرعی، که میراث سنت مارکسیستی و تا حدی رویکرد تطورگرایانه در نظریات اجتماعی است (ر.ک: ویلم ۱۳۷۷: ۶-۵)، سبب شده است که نوعی بی‌توجهی به مقوله مذهب در جامعه‌شناسی روستایی و مطالعات روستایی وجود داشته باشد. این بی‌توجهی پیامدهای چندی داشته است که عبارت‌اند از:

۱) عدم شناخت تحلیلی و کلان از دین در حیات روستایی

دین به مثابه هسته فرهنگ و جامعه، نقشی کلیدی در تنظیم و سامان‌دهی نظام معنایی فرهنگ داشته است و همچنین از خلال نظام ارزش‌ها و در زمینه آداب و رسوم و مناسک مذهبی، جامعه و انسجام اجتماعی را تولید و بازتولید می‌کند. به همین سبب، شناخت درست و عمیق فرهنگ و جامعه روستایی لزوماً از مسیر شناخت دین روستایی (دین آنگونه که در جهان روستایی تجربه می‌شود) می‌گذرد. بی‌توجهی به دین در جامعه‌شناسی روستایی از علل عدم شناخت درست فرهنگ روستایی است. شاید بتوان گفت یکی از نقدهای جدی وارد بر ادبیات مطالعات روستایی ایران، عدم شناخت عمیق از حیات فرهنگی و مذهبی روستائیان است. این شناخت از طریق پیمایش نیز حاصل‌شدنی نیست؛ بلکه مستلزم انجام تحقیقات کیفی عمیقی است.

۲) عدم شناخت علل درونی تحولات اجتماعی و فرهنگی روستا

با توجه به نقش کلیدی مذهب در حیات روستایی، می‌توان گفت در تحولات اجتماعی و فرهنگی روستاهای ایرانی، مذهب نقش کلیدی دارد. این مسئله بعد از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷، که نقش سیاسی مذهب گسترش یافت، بسیار جدی‌تر است. به همین سبب نمی‌توان تحولات اجتماعی و فرهنگی روستا را صرفاً به واسطه بررسی تحولات اقتصاد و معیشت روستایی یا برخی عوامل دیگر، مانند رسانه‌ها و جنسیت، فهمید و تبیین کرد. این تحولات مستلزم و همراه با تحولات عمیقی در حیطه مذهب روستایی است. لذا شناخت مذهب و تحولات آن در روستا برای فهم تحولات عمیق در حیطه مذهب روستایی لازم است. مثلاً در گزارش اونو از خیرآباد، می‌توان نقشی که ایدئولوژی انقلابی و مذهبی در تحولات سلسله مراتب اجتماعی و تغییر

نقش‌ها دارد (تبدیل شدن خوش‌نشین‌هایی مانند سید علینقی به یک عنصر مهم و تأثیرگذار در روستا بعد از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷) را دید (ر.ک: اونو ۱۳۷۷: ۱۴۷).

۳) تداوم مشکلات روستا (هم در خود روستا و هم در روستاییان مهاجر به شهر)

هنوز پس از نزدیک به پنجاه سال از برنامه‌های تحول روستایی که هدف غایی آنها بهبود زندگی روستاییان است، تداوم مشکلات روستا و مهاجرت‌های روستاییان به شهرها را شاهدیم. هرچند نمی‌توان انتظار داشت که از طریق مطالعات روستایی بتوان جلوی همه مشکلات را گرفت، اما تداوم این مشکلات بیانگر آن است که رویکرد اقتصادی - سیاسی به روستا، به مثابه یک واحد اقتصادی و امری تابع شهر، چندان جواب‌گو نبوده است. همانطور که پیش‌تر گفته شد، عدم شناخت از مذهب روستایی به معنای شناخت ناقص و ناکافی از زندگی اجتماعی و فرهنگی روستا خواهد بود. جامعه‌شناسی روستایی (و مطالعات روستایی) با بی‌توجهی به مذهب روستایی به نوعی دچار نقص در فهم حیات روستایی است، به همین سبب هنوز و همچنان مشکلات اجتماعی و فرهنگی روستا ادامه داشته است و گاه بیش‌تر هم شده است. زندگی روستایی، به مثابه شکلی از حیات اجتماعی و فرهنگی که ارزشی فی‌نفسه داشته باشد، هنوز در گفتمان مطالعات روستایی تعریف نشده است. برنامه‌های موجود هم در نهایت به سمت شهری‌کردن (هماهنگ کردن روستا با موازین شهری) بوده است. در نتیجه، مشکلات روستایی همچنان تداوم دارند. این مسئله را در افزایش روند مهاجرت انفجاری روستاییان به شهر، از دهه ۱۳۴۰ تا دهه ۱۳۷۰، دید. (ر.ک: وثوقی ۱۳۷۳). بر این اساس، مواجهه درست با مسائل روستا قبل از هرچیزی مستلزم فهم درست زندگی اجتماعی و فرهنگی روستائیان است، و هسته مرکزی این زندگی، نظام باورها و مناسکی است که در زمینه روستا به عنوان دین روستایی شکل گرفته است.

نتیجه‌گیری

از موضوعات مهم در جامعه‌شناسی روستایی و مطالعات روستایی، نقد و ارزیابی مطالعات دین حوزه به صورت فراتحلیل پژوهش‌های مربوطه است. یکی از موضوعات مهم مسئله دین و امر مذهبی در حیات روستایی است. نظریات گوناگون علوم اجتماعی بیانگر اهمیت و نقش تعیین‌کننده دین در جامعه و فرهنگ است، اما علی‌رغم این تأکید علمی بر اهمیت دین،

جامعه‌شناسی روستایی هنوز توجهی مناسب به مسئله دین و نقش آن در حیات روستایی نداشته است.

بررسی‌های موجود بیانگر آن است که صرفاً در برخی تک‌نگاری‌ها توجهی محدود و مختصر به مقوله دین در روستا شده است. در مطالعات تاریخی و نظری و طرح‌های ملی دولتی در باب روستا، هنوز دین به مثابه جوهره فرهنگ نقشی ندارد. نگاهی به ادبیات جامعه‌شناسی و مطالعات روستایی از دوره بعد از اصلاحات ارضی تا امروز، بیانگر آن است که پروبلماتیک اصلی روستا، به مثابه واحد اقتصادی - سیاسی است که باید به جریان اقتصادی و سیاسی ملی و بین‌المللی پیبوند. این رویکرد سبب شده است که عمده مطالعات و توجهات به مقوله اقتصاد و امر سیاسی معطوف باشند و فرهنگ و هسته حیات روستایی، یعنی مذهب، دچار بی‌توجهی شود. این بی‌توجهی از یکسو، از جریان‌های فراعلمی در حوزه تحولات کلان ملی و بین‌المللی یعنی اقتصاد و سرمایه‌داری و تلاش آن برای ادغام روستا در خودش ناشی می‌شود و از سوی دیگر، برخی ریشه‌های آن در سنت‌های نظری مارکسیستی و پوزیتیویستی به عنوان مفروضات و منشأ مطالعات جامعه‌شناختی روستایی است؛ همچنین فقدان مفهوم‌پردازی مناسب برای دین روستایی نیز عاملی است که سبب شده است که ایده دین چنان که به صورت نهادی شهری تعریف شده است، فرض شود و لذا چون مؤلفه‌های این دین نهادی در روستاها نیست، عملاً امور دینی روستا، در صورت مشابهت با شهر، یا ذیل عنوان عناصر دینی مطرح شوند، و یا ذیل عنوان خرافات و باورهای خرافی توصیف شوند. در نتیجه، چشم محقق روستایی توان فهم دین روستایی را نداشته است. در نهایت گفتمان روشنفکری بالاخص در سه دهه اخیر، ناخودآگاه در سرکوب روستایی به مثابه یک منشا و هستی فرهنگی، کوشیده است. در حالی که برخی محققان دانشگاهی ریشه روستایی دارند، اما نوعی بی‌توجهی ناخودآگاه به روستا، به مثابه یک هستی فرهنگی و مذهبی مستقل، را در تحقیقات ایشان می‌توان یافت.

بی‌توجهی به مذهب در روستا در تحقیقات جامعه‌شناختی روستاهای ایران سبب شده است که این حوزه مطالعات از درک مذهب روستایی و فرهنگ و اجتماعی که حول آن شکل گرفته ناتوان باشد. تداوم بحران‌های اجتماعی و فرهنگی روستایی در طی نزدیک به نیم قرن پس از اصلاحات ارضی تا حدی بیانگر فهم نادرست جامعه و فرهنگ روستایی است. نگاهی به

فهرست موضوعات پژوهشی نسل جدید محققان روستایی نیز بیانگر تداوم این غفلت از مذهب و فرهنگ روستایی (در مفهوم انسان‌شناختی آن) است.

طرفه آن که بررسی متون جامعه‌شناسی روستایی، در دهه ۱۳۴۰ تا دهه ۱۳۸۰، بیانگر تداوم این نگاه است، نگاهی که همچنان مذهب و حیات فرهنگی و دینی را نادیده گرفته است. مهم‌تر آن که با وجود رخداد انقلاب اسلامی و نفوذ و حضور گسترده امور دینی در روستاهای ایران طی سه دهه اخیر، هنوز جامعه‌شناسی روستایی حاضر به پرداختن به مذهب روستایی و نقش آن در تحولات و زندگی اجتماعی و فرهنگی روستا نیست.

تأکید بر مطالعات کیفی و فرهنگ‌محور می‌تواند گامی باشد برای رفع بی‌توجهی به حیات مذهبی و فرهنگی روستائیان. ضمن این که باید نقش کلیدی امر مذهبی (در مفهوم دین روستایی و دین‌داری روستایی، جدا از معانی این مفاهیم در حیطه شهر) را هر چه بیشتر در کانون تحولات روستاهای ایران اسلامی قرار داد. به نظر می‌رسد مقوله مذهب از دو وجه اهمیت کلیدی برای جامعه‌شناسی روستایی دارد: از یک سو دین به مثابه هسته فرهنگ و سنت جامعه روستایی، لازمه فهم این نوع از جامعه است. نمی‌توان بدون فهم دین روستایی، فهم درستی از فرهنگ و جامعه آن داشت. به عبارت دیگر دین، به مثابه عامل تداوم فرهنگ سنتی، مهم‌ترین لازمه شناخت داشته‌ها و میراث فرهنگی و اجتماعی جامعه روستایی است. از دیگر سو، دین به واسطه نقش کلیدی که در مشروعیت‌بخشی به تغییرات و ایجاد زمینه‌ای برای تغییر دارد، عامل بسیار مهمی است برای برنامه‌ریزی‌های تحولات اجتماعی، فرهنگی و همانندان آن در روستا و همچنین در استقرار و مشروعیت‌بخشی و جذب فرهنگی عناصر جدید در زندگی روستایی می‌تواند نقشی کلیدی داشته باشد. خلاصه آن که دین روستایی (که باید صورت‌بندی مفهومی دقیقی برای آن تدوین شود) هم برای فهم میراث و سنت فرهنگی روستا و هم برای تحولات و تغییرات و برنامه‌ریزی برای آتیه روستا، نقشی کلیدی دارد و لازم است جامعه‌شناسی روستایی بر این مقوله تأکید بیشتری داشته باشد.

محوریت دادن به فرهنگ و دین روستایی در مطالعات جامعه‌شناختی روستا، زمینه‌ای خواهند بود برای شکل‌گیری گفتمان فرهنگ‌گرا در مطالعات روستایی. شکل‌گیری و بسط این گفتمان فرهنگی می‌تواند درک بهتری از جامعه روستایی را فراهم کند و برنامه‌ریزی‌های روستایی، با رویکرد فرهنگ‌گرایانه، به کاهش مسائل اجتماعی زندگی روستایی خواهد انجامید.

منابع

- آشوری، داریوش (۱۳۸۰)، **تعریف‌ها و مفهوم فرهنگ**، تهران: انتشارات آگاه.
- آل احمد، جلال (۱۳۷۶)، **نفرین زمین**، تهران: انتشارات فردوس.
- آل احمد، جلال (۱۳۷۸)، **اورازان**، تهران: انتشارات فردوس.
- آل احمد، جلال (۱۳۷۹)، **تات‌نشین‌های بلوک‌زهره**، تهران: انتشارات فردوس.
- ارشاد، فرهنگ (۱۳۷۳)، «تأثیر متقابل کوچ و توسعه: بحثی پیرامون مهاجرت روستاییان به شهر در کشورهای کم‌تر توسعه‌یافته»، **علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز**، دوره نهم، شماره ۲: ۸۱-۹۹.
- اروین، الکساندر. ام (۱۳۸۶)، **مردم‌شناسی کاربردی**، ترجمه مهرداد وحدتی، تهران: نشر افکار.
- اریکسن، ت.ه. و نیلسن، ف.س (۱۳۸۷)، **تاریخ انسان‌شناسی**، ترجمه علی بلوکباشی، تهران: نشر گل‌آذین.
- ازکیا، مصطفی (۱۳۷۷)، **جامعه‌شناسی توسعه**، تهران: کلمه.
- ازکیا، مصطفی و غفاری، غلامرضا (۱۳۸۸)، «تحلیلی بر مطالعات روستایی ایران»، **توسعه روستایی**، شماره اول، دوره اول، شماره پیاپی ۳۶: ۷-۳۴.
- ازکیا، مصطفی، غفاری، غلامرضا (۱۳۸۳)، **توسعه روستایی با تأکید بر جامعه روستایی ایران**، تهران: نشر نی.
- اسپرلدی، ج.پ و مک‌کوردی، دو (۱۳۷۲)، **پژوهش فرهنگی**، ترجمه بیوک محمدی، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- افراخته، حسن (۱۳۸۰)، «روابط متقابل شهر و روستا»، **علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز**، دوره شانزدهم، شماره ۲: ۴۹-۷۳.
- افشار، ایرج (۱۳۴۸)، **یادگارهای یزد**، تهران: انجمن آثار ملی.
- اونو، موریو (۱۳۷۶)، **خیرآباد نامه**، هاشم رجب‌زاده، تهران: دانشگاه تهران.
- بی‌من، ویلیام (۱۳۸۱)، **زبان، منزلت و قدرت در ایران**، ترجمه رضا ذوقدار مقدم، تهران: نشر نی.
- جهانگیری، جهانگیر و لهسانی‌زاده، عبدالعلی (۱۳۸۷)، «نقش زنان روستایی در اقتصاد خانواده، مطالعه موردی زنان روستایی استان فارس»، **انجمن جامعه‌شناسی ایران**، شماره ۱: ۱۲۴-۱۴۵.
- چمبرز، رابرت (۱۳۷۶)، **توسعه روستایی: اولویت‌بخشی به فقرا**، ترجمه مصطفی ازکیا، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.

- دانش‌مهر، حسین و احمدرش، رشید (۱۳۸۸)، «بررسی نگرش‌های اجتماعی روستائیان به مشارکت اجتماعی»، توسعه روستایی، دوره اول، شماره ۱: ۱۲۹-۱۵۶.
- دورکیم، امیل (۱۳۸۳)، *صور ابتدائی حیات دینی*، ترجمه باقر پرهام، تهران: مرکز.
- زمانی، غلامحسین و لاری، محمدباقر (۱۳۸۵)، «پژوهش رهبران روستایی با رهیافت راهبری پرورش "متورینگ"»، *علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز*، دوره ۲۴، شماره ۲: ۴۵-۵۷.
- زیگفرید، آندره (۱۳۴۳)، *روح ملت‌ها*، ترجمه احمد آرام، با ضمیمه فارسی «روحیه ایرانی»، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- سو، الوین (۱۳۷۸)، *تغییر اجتماعی و توسعه*، ترجمه محمود حبیبی مظاهری، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- شادی‌طلب، ژاله و حجتی کرمانی، فرشته (۱۳۸۷)، «فقر و سرمایه اجتماعی در جامعه روستایی»، *فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی*، سال هفتم، شماره ۲۸: ۳۵-۵۷.
- شریعتی، علی (۱۳۹۰)، *کویر*، تهران: چاپخش.
- صفی‌نژاد، جواد (۱۳۵۴)، *طالب‌آباد*، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی.
- طالب، مهدی (۱۳۶۷)، «شیوه‌های همیاری در روستاهای ایران»، *نامه علوم اجتماعی*، شماره ۱: ۱۶۷-۱۸۰.
- طالب، مهدی و موسی، عنبری (۱۳۸۴)، *جامعه‌شناسی روستایی*، تهران: دانشگاه تهران.
- عسگری خانقاه، اصغر (۱۳۷۲)، *پژوهشی در مورد مردم‌شناسی روستای قاسم‌آباد گیلان*، شیراز: انتشارات نوید.
- غفاری، غلامرضا و حق‌پرست، عباس (۱۳۸۳)، «نشانگرهای فقر در مناطق روستایی»، *انجمن جامعه‌شناسی ایران*، سال پنجم، شماره ۴: ۳۲-۴۸.
- فاستر، جورج (۱۳۷۶)، *جوامع سنتی و تغییرات فنی*، ترجمه مهدی ثریا، تهران: کتاب فردا.
- فاضلی، نعمت‌الله (۱۳۸۶)، «مدرنیته و مسکن»، *فصلنامه تحقیقات فرهنگی*، سال اول، شماره ۱: ۲۵-۶۳.
- فکوهی، ناصر (۱۳۸۱)، *تاریخ اندیشه‌ها و نظریه‌های انسان‌شناسی*، تهران: انتشارات نی.
- فیروزی‌نیا، قدیر و رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا (۱۳۸۲)، *جایگاه روستا در توسعه ملی از دیدگاه صاحب‌نظران*، تهران: مؤسسه توسعه روستایی ایران.
- کوهی، کمال و تقوی، نعمت‌الله (۱۳۸۲)، «سنجش میزان مشارکت روستائیان در پروژه‌های توسعه روستایی»، *نشریه دانشکده علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه تبریز*، شماره ۴: ۸۲-۱۱۶.

- لهسایی‌زاده، عبدالعلی (۱۳۷۴)، «نقش زنان در اقتصاد روستایی»، *علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز*، دوره ۱۱، شماره ۱ و ۲: ۴۳-۶۵.
- لهسایی‌زاده، عبدالعلی و ماجدی، مسعود (۱۳۸۳)، «بررسی اثرات پروژه‌های عمرانی بر رفاه در نقاط روستایی استان فارس»، *انجمن جامعه‌شناسی ایران*، سال پنجم، شماره ۴: ۷۳-۹۴.
- مالیونفسکی، برانیسلاو (۱۳۷۳)، *تروبریاندها*، ترجمه عباس مخبر، تهران: طرح نو.
- محسنی تبریزی، علیرضا و میرزائی، محمد (۱۳۸۳)، «سنجش میزان انگیزش به کار و عوامل مؤثر بر آن»، *مجله انجمن جامعه‌شناسی ایران*، سال پنجم، شماره ۴: ۳-۳۱.
- معیدفر، سعید (۱۳۸۳)، «تمایز جنسیتی روستاییان در کار، فراغت، فعالیت و مصرف کالاهای فرهنگی»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره پنجم، شماره ۲: ۱۷۹-۲۰۰.
- منصورآبادی، افسانه و کرمی، عزت‌الله (۱۳۸۵)، «پیامدهای توسعه بر وضعیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی زنان روستایی: مطالعه موردی در استان فارس»، *مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز*، دوره ۲۴، شماره ۲: ۱۰۷-۱۲۸.
- موریس، بریان (۱۳۸۳)، *مطالعه مردم‌شناختی دین*، ترجمه ج. شرف‌الدین و م. فولادی‌قم: بوستان کتاب.
- مید، مارگرت (۱۳۶۵)، *بلوغ در ساموآ*، ترجمه مهین میلانی، تهران: نشر ویس.
- نیک‌خلق، علی‌اکبر (۱۳۴۵)، *مونوگرافی باقراآباد سبزواری*، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی.
- نیک‌خلق، علی‌اکبر (۱۳۸۲)، *جامعه‌شناسی روستایی*، تهران: چاپخش.
- واترز، مالکوم (۱۳۸۱)، *جامعه سنتی و جامعه مدرن*، ترجمه منصور انصاری، تهران: نقش جهان.
- وبر، مارکس (۱۳۸۲)، *دین، قدرت و جامعه*، ترجمه احمد تدین، تهران: هرمس.
- وثوقی، منصور (۱۳۷۳)، *جامعه‌شناسی روستایی*، تهران: کیهان.
- همیلتون، ملکلم (۱۳۷۷)، *جامعه‌شناسی دین*، محسن ثلاثی، تهران: تیبان.
- هوگلند، اریک (۱۳۸۱)، *زمین و انقلاب در ایران (۱۳۶۰-۱۳۴۰)*، مترجم فیروزه مهاجر، تهران: شیرازه.